

سازمان‌های غیر دولتی (NGOs): تعاریف و طبقه‌بندیها

تالیف و ترجمه: محمد محمدی*

چکیده

به باور صاحب‌نظران، برنامه‌های توسعه‌ی ملی و محلی (توسعه از بالا) بدون مشارکت مردمی (توسعه از پایین) موفقیت‌آمیز نخواهند شد. تجارب جهانی نشان می‌دهند سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند نقش مهمی در بسیج اقشار مختلف، بویژه سطوح پایین و متوسط جامعه، ایفا کنند. از این رو در سالهای اخیر، پدیده سازمان‌های غیردولتی و نقشی که در توسعه‌ی مشارکتی ایفا می‌کنند با آب و تاب بیشتری در محافل برنامه‌ریزی و دانشگاهی کشور ما مطرح شده است. نظر به اهمیت بحث، نوشتار حاضر ضمن تشریح تعاریف سازمان‌های غیردولتی، به طبقه‌بندیهای به عمل آمده از این سازمان‌ها اشاره‌ای خواهد داشت.

مقدمه

در چند دهه‌ی گذشته، مشارکت بخش سازمان‌های غیردولتی^۱ در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رشد فزاینده‌ای یافته است. در جهان سیاست، سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند نقش مهمی در تحقق جامعه‌ی مدنی ایفا کنند. در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، فارغ بودن سازمان‌های غیردولتی از بوروکراسی پیچیده‌ی بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی این امکان را فراهم ساخته تا در زمینه‌هایی چون جنگلداری، حفاظت محیط زیست، مبارزه با فقر و گرسنگی، افزایش آگاهی‌های عمومی، رفاه و بهداشت جامعه و خانواده و ... موفق‌تر از بخش‌های دولتی و خصوصی عمل کنند. همچنین در کشورهای در حال توسعه، نقش سازمان‌های غیردولتی در اجرای برنامه‌های توسعه‌ی مشارکتی و جلب کمک‌های اعطاءکنندگان بین‌المللی کمک‌های مالی^۲ اهمیت خاصی به آنها بخشیده است. به طور خلاصه، از آنجا که سازمان‌های غیردولتی در ارایه‌ی کالاها و خدمات به اقشار مختلف انعطاف‌پذیرتر، کارآمدتر، اثربخش‌تر و شفاف‌تر عمل کرده‌اند، دولت‌ها مشتاقانه در تلاش‌اند مسئولیت‌های هرچه بیشتری به این سازمان‌ها در برنامه‌های توسعه اقتصاد ملی واگذار کرده و به بخش سازمان‌های غیردولتی به عنوان بخش سوم و مکمل بخش‌های دولتی و خصوصی توجه خاص کنند (Saplota, 1997).

تعریف سازمان‌های غیردولتی

اصطلاح سازمان‌های غیردولتی برای اولین بار توسط انجمن اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در ۲۷ فوریه ۱۹۹۵ بکار گرفته شد. از آن زمان تاکنون هنوز تعریف جامع و مانعی که مورد قبول اغلب صاحب‌نظران باشد، ارایه نشده است. یکی از اولین مشکلات در این زمینه، عدم ثبات در استفاده از اصطلاح مذکور می‌باشد. در ادبیات این سازمانها، سه اصطلاح سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های داوطلبانه خصوصی (PVOs)^۳ و سازمان‌های غیرانتفاعی (NPOs)^۴ همواره به جای یکدیگر بکار گرفته

1 - Non - Governmental Organizations (NGOs)

2 - Donors

3 - Private Voluntary Organizations (PVOs)

4 - Non - Profit Organizations (NPOs)

می‌شوند. در پژوهش‌های بعمل آمده، تعاریف بدیلی برای این سه اصطلاح ارایه شده‌اند. بدیهی است برخلاف آنچه متداول شده، حداقل نوعی تفاوت بین این سازمان‌ها وجود دارد. در واقع، این اصطلاحات ابداع نشده‌اند تا از آنها به عنوان مترادف یکدیگر استفاده نشوند (Vakil, 1997).

گورمن^۱ در نخستین تلاش برای تعریف سازمان‌های داوطلبانه خصوصی (PVOs) اظهار داشت: «سازمان داوطلبانه خصوصی عبارت است از نوعی سازمان غیردولتی، معاف از مالیات و غیرانتفاعی که فراتر از مرزهای متعارف کشور خود در جهت توسعه و امدادسانی به سایر کشورها ارایه‌ی خدمت می‌کند». چند ایراد بر این تعریف وارد شده است: نخست این‌که، ذکر فعالیت‌های برون مرزی در تعریف فوق اشاره ضمنی به سازمان‌هایی دارد که با هدف امدادسانی و کمک به توسعه جهان سوم در کشورهای توسعه یافته بوجود آمده‌اند. بنابراین، این تعریف از آن دسته سازمان‌ها که با همین هدف در کشورهای جهان سوم بوجود آمده‌اند، غفلت ورزیده است. دوم این‌که، با فرض چشم‌پوشی از ایراد فوق، تفاوت‌های مهمی در قوانین مالیاتی کشورهای توسعه یافته وجود دارد. به عبارتی در قوانین مالیاتی همه‌ی کشورهای توسعه یافته، سازمان‌های داوطلبانه خصوصی (PVOs) از مالیات معاف نیستند. در تعاریف اخیر به سازمان‌هایی که با هدف امدادسانی و توسعه در کشورهای جهان سوم ایجاد شده‌اند نیز توجه شده است. به عنوان مثال، کورتن^۲ به هنگام توصیف توسعه‌ی مردم‌مدار^۳ که در آن سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های داوطلبانه خصوصی را به صورت مترادف بکار می‌برد به طیف وسیعی از سازمان‌ها اشاره می‌کند که شامل آنهایی که در کشورهای جهان سوم ایجاد شده‌اند نیز می‌گردد. این‌که آیا سازمان‌های داوطلبانه خصوصی مشابه سازمان‌های غیردولتی هستند و یا این‌که سازمان‌های غیردولتی زیرمجموعه سازمان‌های داوطلبانه خصوصی هستند سوالی است که هنوز در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است (Valil, 1997).

1 -Gorman

2 -Korten

3 -People –Centered Development

اصطلاح سازمان‌های غیرانتفاعی نیز گاهی اوقات به عنوان مترادف سازمان‌های غیردولتی به کار گرفته می‌شود. سلامون و آنهایر^۱ پنج ویژگی را برای سازمان‌های غیرانتفاعی برشمردند. بنا به تعریف آنها یک سازمان غیرانتفاعی سازمانی است رسمی، خصوصی، غیرانتفاعی، خودگردان و داوطلبانه. با اینکه پژوهشگران فوق دو اصطلاح سازمان‌های غیرانتفاعی و سازمان‌های دولتی را به عنوان مترادف یکدیگر بکار گرفتند اما بر این نکته تاکید داشتند که سازمان‌های غیردولتی بخشی از سازمان‌های غیرانتفاعی بوده که متعهد به توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند (Vakil, 1997).

انجمن توسعه اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در نخستین تعریف، اصطلاح سازمان‌های غیردولتی را برای سازمان‌هایی به کار برد که به رسمیت شناخته شده‌اند، هیچ‌گونه تعلق دولتی ندارند و دارای جایگاه مشورتی برای سازمان ملل متحد می‌باشند. در تعریفی دیگر، آناسی وکیل^۲ (1997) بیان داشت سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌هایی هستند خصوصی و خودگردان که با هدف کسب منفعت ایجاد نشده‌اند بلکه در پی بهبود کیفیت زندگی مردمی هستند که در وضعیت نامساعد به سر می‌برند. بانک جهانی، سازمان‌های غیردولتی را سازمان‌هایی خصوصی می‌داند که در جهت حفاظت محیط زیست، افزایش منافع و تسکین درد و رنج افراد محروم جامعه تلاش کرده و خود را متعهد به فراهم آوردن خدمات اجتماعی اساسی و توسعه‌ی محلی می‌دانند (World Bank, 1995). به طور کلی، در تعاریف مختلف به چهار ویژگی برای سازمان‌های غیردولتی اشاره شده که عبارتند از: رسمی، خصوصی، خودگردان و غیرانتفاعی (Wellard & Copestade, 1993).

طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی

عدم وجود تعریفی جامع و مانع از سازمان‌های غیردولتی به همراه تعدد اصطلاحاتی که برای نام‌گذاری این سازمان‌ها بکار گرفته شده، طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی را با مشکل مواجه ساخته است. جدول (۱) به تعدادی از این نام‌ها اشاره دارد. ریشه‌ی این نام‌های متفاوت به چند عامل برمی‌گردد. اولین مورد، ناشی از ماهیت چند بعدی

1 -Salamon & Anheier

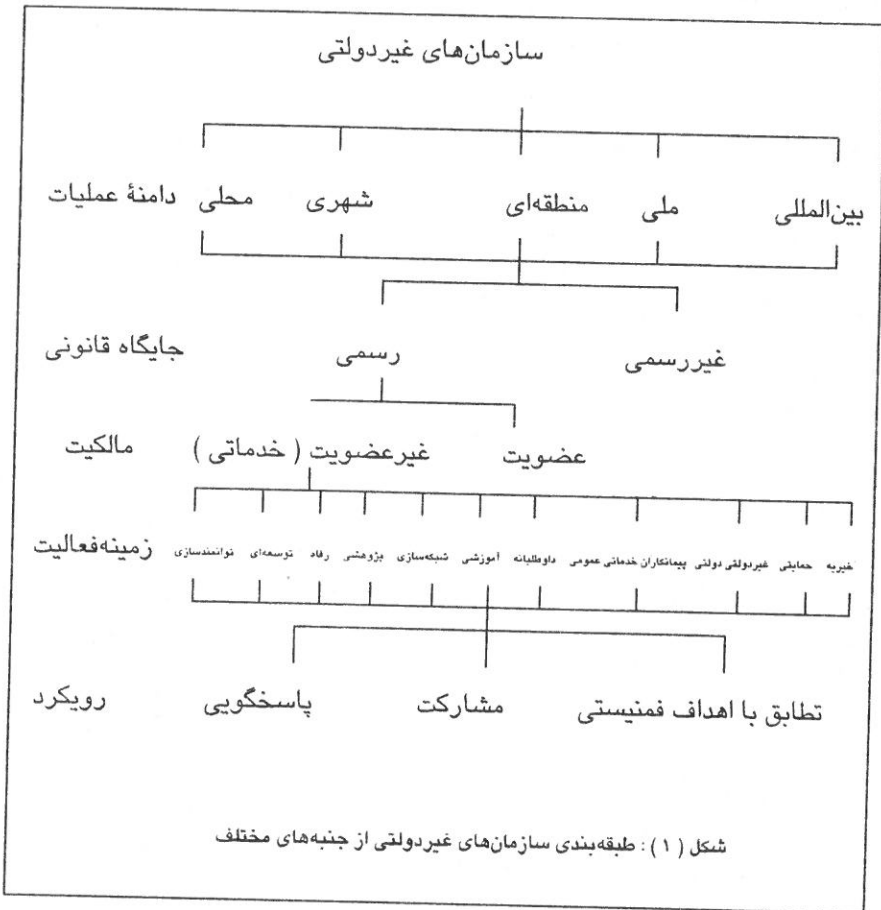
2 -Vakil Anna.c.(1997)

سازمان‌های غیردولتی به دلیل انواع مختلف آنها و عدم اتفاق نظر بر سر نام‌گذاری و تجزیه و تحلیل این ابعاد می‌باشد. دومین مورد، به ماهیت میان رشته‌ای ادبیات سازمان‌های غیردولتی مربوط می‌شود. ادبیات این سازمان‌ها تقریباً پلی است بین تمام علوم اجتماعی کاربردی و محض و بسیاری از حوزه‌های سیاست. چون هریک از این علوم بر مبنای دیدگاه‌های نظری و فنی خاص خود به بحث پیرامون این سازمان‌ها پرداخته‌اند ارایه‌ی یک چارچوب کلی برای نام‌گذاری و تجزیه و تحلیل این سازمان‌ها مشکل به نظر می‌آید. بالاخره، ماهیت چند بعدی تعدادی از سازمان‌های غیردولتی خاص که در طی مراحل توسعه خود درگیر فعالیت‌های مختلف در بخش‌های متفاوت شده‌اند باعث شده شناسایی آنها در قالب یک طبقه‌بندی مشخص با مشکل مواجه گردد.

Big International Nongovernmental Organizations (BINGOs)	سازمان‌های غیردولتی بزرگ بین‌الملل
Community –Based Organizations (CBOs)	سازمان‌های محلی
Community –Based Nongovernmental Organizations (CB-NGOs)	سازمان‌های غیردولتی محلی
Development Organizations (Dos)	سازمان‌های توسعه
Donor Nongovernmental Organizations (DONGOs)	سازمان‌های غیردولتی اعطاء کنندگان بین‌المللی کمک‌های مالی
Government Nongovernmental Organizations (GONGOs)	سازمان‌های غیردولتی وابسته به دولت
Grassroots Organizations (GROs)	سازمان‌های مردمی روستایی
Grassroots Support Organizations (GRSOs)	سازمان‌های امداد رسانی مردمی
International Development Cooperation Institutions(INGOs)	مؤسسات تعاونی بین‌المللی توسعه
International Nongovernmental Organizations (INGOs)	سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی
Nongovernmental Development Organizations (NGDOs)	سازمان‌های غیردولتی توسعه
Nrothen Nongovernmental Organizations (NNGOs)	سازمان‌های غیردولتی کشورهای شمال
People's Organizations (Pos)	سازمان‌های مردمی
Public Service Contracts (PSCs)	پیمانکاران خدمات عمومی
Quasi – Nongovernmental Organizations (QUANGOs)	سازمان‌های شبه غیردولتی
Social Change Organizations (SCOs)	سازمان‌های تحول اجتماعی
Support Nongovernmental Organizations (SNGOs)	سازمان‌های امداد رسانی غیردولتی
Welfore Church Organizations (WCos)	سازمان‌های رفاهی وابسته به کلیساها

جدول (۱) : نمونه‌ای از تعدد اصطلاحات بکار گرفته شده برای طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی

علی‌رغم مشکلات فوق، الگوهای مختلفی برای طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی (NGOs) ارایه شده است. شکل (۱) با اقتباس از الگوی بینگتن و فارینگتن^۱ به طبقه‌بندی این سازمان‌ها بر پایه‌ی معیارهای مختلف اشاره دارد.

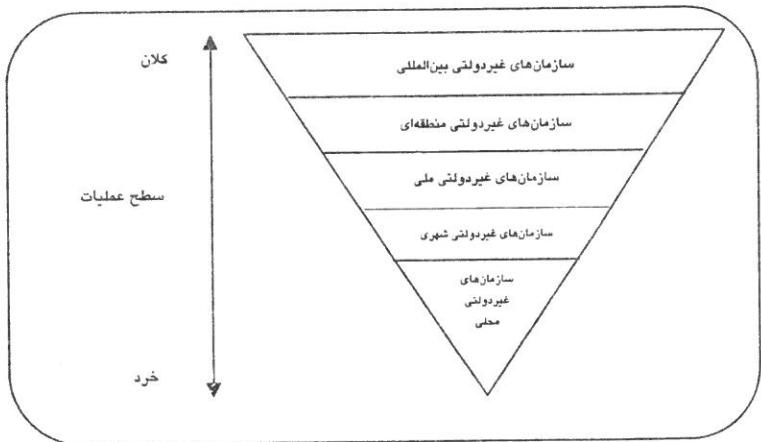


الگوی کلی شکل (۱) از منبع زیر اقتباس شده است :

(Wellard & Copestake , 1993,P.6)

الف - طبقه‌بندی سازمانهای غیردولتی بر مبنای دامنه‌ی عملیات

همانگونه که شکل (۲) نشان می‌دهد برخی سازمان‌های غیردولتی در سطوح محلی و شهری فعالیت کرده و دامنه‌ی عملیات برخی دیگر به سطوح ملی و فراملی (منطقه‌ای و بین‌المللی) گسترش می‌یابد . سازمان‌هایی که در سطوح بالاتر قرار دارند ممکن است در راستای اهداف خود، سازمان‌هایی را در سطوح پایین‌تر ایجاد کرده و با این که از سازمان‌های موجود حمایت مادی و معنوی کنند .



شکل (۲) : انواع سازمان‌های غیردولتی براساس دامنه‌ی عملیات

• سازمان‌های محلی (CBOs)^۱ . این سازمان‌ها به صورت خود جوش توسط مردم بوجود می‌آیند . کلوپ‌های ورزشی ، سازمان‌های زنان ، سازمان‌های مذهبی و سازمان‌هایی که توسط اهالی محل بوجود می‌آیند ، نمونه‌ای از این سازمان‌ها هستند. انواع مختلفی از این سازمان‌ها وجود دارد . برخی از سوی سازمان‌های غیردولتی بزرگتر همچون سازمان‌های غیردولتی ملی ، منطقه‌ای و بین‌المللی حمایت شده و برخی دیگر مستقل از سایرین فعالیت می‌کنند . برخی در جهت افزایش سطح آگاهی مردم مناطق محروم شهری نسبت به حقوق اساسی‌شان عمل کرده و برخی دیگر در جهت احقاق آنها

و فراهم آوردن این خدمات فعالیت می‌کنند (Cousins, 1991). آیف^۱ سازمان‌های محلی را در سه سطح طبقه‌بندی کرد:

۱- سطح گروه^۲. این سطح شامل مجموعه‌ای از افراد است که به دلیل برخی علایق مشترک از قبیل همسایگی، حرفه‌ی مشترک و یا هم‌نژاد بودن به دور هم جمع شده و نوعی تشکل محلی را بوجود آورده‌اند.

۲- سطح محلی^۳. این سطح شامل مجموعه‌ای از افراد است که نسبتاً خودکفا بوده، دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی نسبتاً یکسانی هستند و در نوعی منطقه‌ی مسکونی مشابه زندگی می‌کنند.

۳- سطح ناحیه^۴. شامل اجتماعاتی است که دارای ارتباطات بازرگانی و عملیاتی مشترک هستند و در سطوح پایین‌تر از منطقه^۵ فعالیت می‌کنند (Vakil, 1997).

• سازمان‌های شهری^۶. تشکل‌هایی چون اتاق‌های بازرگانی و صنعت، اتحادیه‌های صنفی، گروه‌های نژادی، انجمن دانش‌آموختگان و انجمن سازمان‌های محلی شهری در زمره‌ی سازمان‌های غیردولتی شهری قرار دارند. برخی از این سازمان‌ها صرفاً با هدف کمک به فقرا بوجود آمده و برخی دیگر علاوه بر این هدف، مقاصد دیگری را نیز دنبال می‌کنند.

• سازمان‌های غیردولتی ملی^۷. سازمان‌هایی چون صلیب سرخ (هلال احمر) یا سازمان‌های حرفه‌ای (از قبیل انجمن پزشکان) که دامنه‌ی فعالیت آنها ملی است، از این قبیل سازمان‌ها هستند. برخی از این سازمان‌ها در سطح شهرها یا استان‌ها دارای شعبه بوده و به سازمان‌های غیردولتی محلی کمک می‌کنند (Cousins, 1991).

• سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای^۸. بر مبنای سطح عملیات، نوع دیگری از سازمان‌های غیردولتی وجود دارد که به کل منطقه‌ی جهان سوم ارایه خدمت می‌کنند. این سازمان‌ها که از آنها به عنوان «سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای» یاد می‌شود، به طور چشمگیری

1 -Upoff

2 - Group Level

3 -Community Level

4 -Locality Level

5 -Sub-district Level

6 -City -Wide Orgnizations

7 -National NGOs

8 -Regional NGOs

در حال افزایش بوده و در زمینه‌هایی چون ایجاد سازمان‌های غیردولتی جدید، شبکه‌سازی و حمایت از سازمان‌های غیردولتی محلی و ملی فعالیت می‌کنند (Vakil, 1997).

• سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی^۱. سازمان‌هایی چون صندوق کودکان، بنیاد فورد و راکفلر و سازمان پزشکان بدون مرز که فراتر از مرزهای ملی و منطقه‌ای عمل می‌کنند را سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی می‌نامند. این سازمان‌ها یا از پروژه‌های سازمان‌های غیردولتی بومی (محلی، شهری و ملی) حمایت مالی کرده و یا این که خودشان به طور مستقیم پروژه‌هایی را به اجرا درمی‌آورند (Cousins, 1991).

ب - طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی بر مبنای جایگاه قانونی

براین اساس، سازمان‌های غیردولتی را به دو گروه رسمی و غیررسمی^۲ تقسیم‌بندی کرده‌اند. منظور از سازمان‌های رسمی، سازمان‌هایی هستند که در مراجع ذیصلاح به ثبت رسیده، دارای شناسنامه و اساسنامه مدون بوده و فعالیت آنها قانونی قلمداد شده است. در اغلب تعاریف، از سازمان‌های غیردولتی به عنوان سازمان‌های رسمی سخن به میان آمده است. با این وجود نباید از ذکر این نکته غافل شد که سازمان‌های غیردولتی اغلب کشورهای جهان سوم در آغاز بصورت غیررسمی شروع به فعالیت می‌کنند (Vakil, 1997).

ج - طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی بر مبنای مالکیت

این تقسیم‌بندی از سوی براتون^۳ صورت گرفت. او پس از تقسیم‌بندی سازمان‌های غیردولتی به دو گروه بومی (محلی و ملی) و غیربومی (بین‌المللی)، بر اساس «گروه مشتریان» بین دو نوع از سازمان‌های غیردولتی بومی تمایز قایل شد:

• سازمان‌های عضو محور^۴. سازمان‌هایی هستند که با هدف کمک به اعضای خود بوجود می‌آیند مانند شرکت تعاونی‌ها.

1 - International NGOs

2 - Formal and Informal NGOs

3 - Braton

4 - Membership Organizations

• سازمان‌های خدماتی^۱. سازمان‌هایی هستند که با هدف کمک به غیراعضاء بوجود می‌آیند مانند انجمن کمک به بیماران هموفیلی (Vakil, 1997).

د - طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی بر مبنای زمینه‌ی فعالیت

• سازمان‌های خدماتی در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کنند. الییات^۲ بر این اساس بین سه نوع سازمان‌های غیردولتی تمایز قایل شد:

• سازمان‌های رفاه^۳. سازمان‌هایی هستند که به دنبال ارائه خدمت به گروه‌های خاصی از جامعه هستند مانند انجمن حمایت از بیماران هموفیلی.

• سازمان‌های توسعه‌ای^۴. سازمان‌هایی هستند که از پروژه‌های مربوط به توسعه یک منطقه به منظور توانمندسازی مردم آن در جهت رفع نیازهای اساسی‌شان حمایت مادی و معنوی می‌کنند. بانک جهانی در تعریف خود از سازمان‌های توسعه‌ای از آنها به عنوان سازمان‌های خصوصی‌ای یاد می‌کند که به طور کامل و یا تا حدود زیادی از دولت مستقل بوده، برای کسب منابع مالی یا غیرمالی ایجاد نشده‌اند و در زمینه‌هایی چون مسایل اجتماعی و انسانی توسعه، بهبود وضعیت رفاهی جامعه، رفع فقر و نابرابری اقتصادی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی و مدیریت و بهبود تلاش می‌کنند.

• سازمان‌های توانمندساز^۵. سازمان‌هایی هستند که فقر را معلول فرایند سیاسی دانسته، خود را متعهد به آموزش یا توانمندسازی مردم برای ورود به این فرایندها می‌دانند (Vakil, 1997; World Bank, 1995).

در یک تقسیم‌بندی دیگر، کورتن^۶ از چهار نوع سازمان‌های غیردولتی نام برد:

• سازمان‌های داوطلبانه (VOs)^۷:

• پیمانکاران خدمات عمومی (PSCs)^۸:

1 -Service Organizations

2 -Elliott

3 -Welfare Organizations

4 -Developmental Organizations

5 -Empowering Organizatios

6 -Korten

7 -Voluntary Organizations

8 -Public Service contracts

• سازمان‌های غیردولتی دولتی (GONGOs)^۱:

به اعتقاد کورتن، سازمان‌های داوطلبانه سازمان‌هایی هستند که «ارزش‌گرا» بوده و قصد خدمت در جهت رفع نیازهای اساسی مردم را دارند. در مقابل، پیمانکاران خدمات عمومی، سازمان‌هایی «بازارگرا» بوده که در جهت اولویت‌های سیاست‌گذاری شده بخش عمومی و یا بودجه‌ی اعطاءکنندگان بین‌المللی کمک‌های ملی - یعنی، حامیان مالی خود - ارایه خدمت می‌کنند. بعدها، وی با توجه به دو بعد «زمینه‌ی فعالیت» و «سطح عملیات» به تشریح شق جدیدی از سازمان‌های غیردولتی در سطح کلان یعنی سازمان‌های غیردولتی توسعه‌مدار، که اصطلاح «نسل چهارم» را برای آنها بکار برد، پرداخت. علاوه بر تقسیم‌بندی‌های فوق، در سالهای اخیر شکل‌های جدیدی از سازمان‌های غیردولتی ظهور یافته که عبارتند از:

• سازمان‌های حمایتی^۲. برخی از سازمان‌های غیردولتی توانمندساز در زمینه‌ی فعالیت‌های حمایتی نیز ایفای نقش می‌کنند. فعالیت حمایتی عبارت است از تلاش در جهت اعمال نفوذ بر سیاست‌ها یا تصمیمات مرتبط با مسایل موردنظر در راستای حمایت از سایر سازمان‌های غیردولتی ذیربط و اقشاری از جامعه که به نوعی تحت تاثیر آن تصمیمات واقع شده یا خواهند شد.

• سازمان‌های غیردولتی آموزشی^۳. تمامی سازمان‌های غیردولتی فعال در این زمینه در کشورهای صنعتی بوجودآمده‌اند. این سازمان‌ها توجه خود را به ارتقای سطح آگاهی و شناخت شهروندان نسبت به مشکلات عمده‌ی توسعه کشورهای جهان سوم از قبیل نابرابری‌های جهانی و مشکل بدهی‌های جهان سوم، معطوف داشته‌اند. بیشتر سازمان‌های غیردولتی آموزشی در زمینه کارها حمایتی نیز فعال هستند.

• سازمان‌های فعال در زمینه شبکه‌سازی^۴، سازمان‌های غیردولتی فعال در این زمینه در سطح ملی یا منطقه‌ای به ارسال اطلاعات و ارایه کمک‌های فنی و غیره به سازمان‌های غیردولتی سطوح پایین‌تر و یا سایر افراد جامعه می‌پردازند. این فعالیت یکی از وظایف

1 -Government NGOs

2 -Advocacy NGOs

3 - Educational NGOs

4 -Networking NGOs

مهم سازمان‌هایی است که نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کنند همانند سازمان‌های موسوم به نسل چهارم موردنظر کورتن.

• سازمان‌های غیردولتی پژوهشی^۱. در سالهای اخیر فشار فزاینده‌ای بر سازمان‌های غیردولتی اعمال می‌گردد تا بر مبنای اطلاعات موثق در پروژه‌های مرتبط مشارکت جویند. این امر باعث شده سازمان‌های غیردولتی بیش از گذشته به فعالیت‌های پژوهشی اهتمام ورزند و حتی تعداد زیادی سازمان‌های غیردولتی تحقیقاتی ظهور یابد (Vakil, 1997).

۵- طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی براساس رویکرد

• پاسخگویی. پاسخگویی سازمان‌های غیردولتی ممکن است «رو به بالا» یا «رو به پایین» باشد. پاسخگویی رو به بالا عبارتست از گرایش سازمان‌های غیردولتی به پاسخگویی در برابر مراجعی که از آنها کمک مالی دریافت داشته‌اند. پاسخگویی رو به پایین نیز به تمایل سازمان‌های غیردولتی به پاسخگویی در برابر اعضاء یا گروه هدف (افرادی که به آنها ارایه خدمت می‌کنند) اطلاق می‌شود. یکی از مسایل مرتبط با قابلیت پاسخگویی، توانایی کنترل منابع است. به زعم فولر^۲، ممکن است در سازمان‌های غیردولتی کنترل درونی یا بیرونی منابع وجود داشته باشد. در سازمان‌هایی که کنترل بیرونی منابع وجود دارد، اعطاء کنندگان کمک‌های مالی بر فرایند تصمیم‌گیری اعمال نفوذ کرده و سیاست‌های سازمان را دیکته می‌کنند. از سوی دیگر، در سازمان‌هایی که فرایند تصمیم‌گیری سازمان تحت نفوذ اعضاء یا گروه هدف قرار دارد، کنترل منابع به صورت «درونی» است. فولر براساس این دو ویژگی ماتریسی از شش نوع سازمان‌های غیردولتی ارایه داد (شکل ۳). سازمان‌هایی که کنترل بر منابع آنها از خارج سازمان صورت می‌گیرد عبارتند از:

۱- سازمان‌های محلی اعطاء کننده کمک‌های مالی (LDOS) که دارای قابلیت پاسخگویی رو به بالا یا بیرونی هستند؛

۲- سازمان‌های محلی ترغیب‌کننده یا مشوق (ILOS)^۱ که پاسخگویی در سازمان و در برابر اعضاء است؛

1 -Research NGOs

2 -Fowler

3-Local Donor Organizations

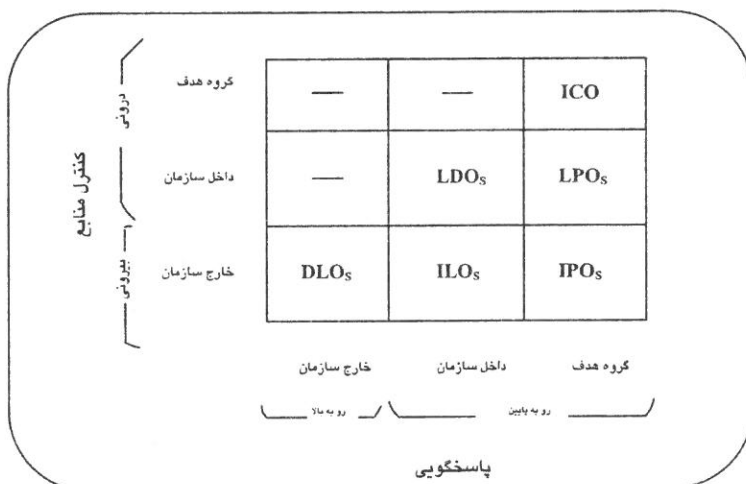
۳- سازمان‌های مردمی ترغیب‌کننده (IPOS) ^۲ که دارای قابلیت پاسخگویی در برابر گروه هدف یا افراد ذینفع می‌باشند.

در دو سازمان دیگر ، کنترل درونی منابع وجود دارد :

۱- سازمان‌های توسعه‌ی محلی (LDOs) ^۳ که پاسخگویی‌شان عمدتاً داخلی و در برابر اعضای است :

۲- سازمان‌های مردمی محلی (LPOs) ^۴ که دارای قابلیت پاسخگویی در برابر گروه هدف می‌باشند.

و بالاخره تنها موردی که در آن کنترل منابع و پاسخگویی در برابر گروه هدف انجام می‌پذیرد ، سازمان محلی بومی (ICO) ^۵ است (Vakil, 1997).



شکل (۳) : طبقه‌بندی فولر از سازمان‌های غیردولتی براساس رویکرد

از زاویه‌ای دیگر ، برت ^۱ به تشریح قابلیت پاسخگویی سازمان‌های غیردولتی در دو سطح پرداخت . اولین سطح ، سازمان‌های غیردولتی‌ای هستند که کالا و خدماتی را به نرخی زیر

- 1 - Induced Local Organizations
- 2 - Induced Peoples Organizations
- 3 - Local Development Organizations
- 4 - Local People Organizations (LPOs)
- 5 - Indigenous Community Organization

قیمت بازار به گروه هدف ارایه می‌دهند مانند شرکت تعاونی‌های تولیدی. دومین سطح، سازمان‌های غیردولتی‌ای هستند که برای استفاده از کالا و خدمات، به افراد تحت پوشش‌شان کمک نقدی می‌کنند مانند گروه‌های محلی^۲. به اعتقاد او شرکت‌تعاونی‌های تولیدی تنها در برابر مشتریان‌شان پاسخگو هستند، زیرا، آنها قادرند با خرید از تولیدکنندگان دیگر قدرت‌شان را اعمال کنند. این وضعیت تا حدودی مشابه موقعیت مؤسسات تولیدی بخش خصوصی است. اما در سطح دوم، سازمان‌های غیردولتی در برابر موکلین مختلف به گونه‌های متفاوت و گاه متضاد پاسخگو هستند. به عنوان مثال، دولت‌ها و اعطاء کنندگان کمک‌های مالی اغلب از اهرم کمک‌های اعطایی‌شان برای پاسخگو ساختن این سازمان‌ها بهره‌می‌جویند، این در حالی است که برخلاف ادعای بسیاری از سازمان‌های غیردولتی، قابلیت پاسخگویی آنها در برابر افرادی که به آنها ارایه خدمت می‌کنند معمولاً ضعیف است، چرا که این افراد به دلیل عدم بضاعت مالی قادر نیستند کالاهای و خدمات مورد نیازشان را از جایی دیگر تهیه کنند (Vakil, 1997).

• مشارکت. ولچ^۳ یکی از نخستین صاحب‌نظرانی بود که بر مبنای معیار «مشارکت» به طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی پرداخت. به اعتقاد او، ستاده سازمان بر روی پیوستاری از مشارکتی تا نخبه‌سالاری قرار می‌گیرد. مشارکت زمانی بالاست که همه‌ی افراد اعم از مشتریان، ارباب رجوع و مردم ساکن منطقه بتوانند در فعالیت‌های سازمان خواه به عنوان عضوی از هیات مدیره، شورای مشورتی، کارگر دستمزد بگیر یا داوطلب مشارکت جویند. در سازمان‌های نخبه‌گرا، تمامی ستاده‌های سازمان هدایت شده بوده و سازمان توسط متخصصین حقوق‌بگیر یا حرفه‌ای اداره و مدیریت می‌گردد (Vakil, 1997).

• تطابق با اهداف فمنیستی^۴. یکی از رویکردهای طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی، حدود فعالیت‌ها و اهداف این سازمان‌ها در جهت تحقق آرمان‌های فمنیستی است. در سال ۱۹۸۵، سازمان توسعه راه‌های توانمندسازی زنان برای عصری جدید (DAWN)^۵ با توجه به

1 -Brett

2 -Community Groups

3 -Wolch

4 -Congruence with the Aims of Feminism

5 -Development Alternative with Women for a New Era

حدودی که سازمان‌های غیردولتی در جهت توانمندسازی زنان تلاش می‌کنند. آنها را در هفت طبقه به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- سازمان‌هایی که منشأ پیدایش آنها به خارج برمی‌گردد؛

۲- اجتماعات کوچک محلی؛

۳- سازمان‌های کارگری؛

۴- سازمان‌های متعلق، یک حزب سیاسی؛

۵- سازمان‌های خدمت‌گرا؛

۶- سازمان‌های تحقیقاتی؛

۷- ائتلاف؛

سازمان‌هایی که منشأ پیدایش آنها به خارج برمی‌گردد به دلیل رویکرد «بالا به پایین» و اینکه از زنان فقط در مرحله‌ی اجرا (مانند جمع‌آوری کمک‌های مردمی) استفاده می‌کنند، ضعیف‌ترین نوع سازمان‌های غیردولتی به شمار می‌آیند. اجتماعات کوچک محلی ماهیتاً فمینیستی بوده اما از فقدان منابع کافی و اعضای که از طبقه‌ی متوسط جامعه باشند، رنج می‌برند. سازمان‌های کارگری شامل اتحادیه‌های کسب و کار بوده که عمدتاً تحت تسلط مردان قرار دارند. همچنین مؤسسات خوداشتغالی زنان که از تمایلات فمینیستی قوی‌تری برخوردارند در نمونه‌ای دیگر از سازمان‌های کارگری هستند. سازمان‌های فمینیستی وابسته به احزاب سیاسی از ظرفیت بالقوه بالایی در خصوص جلب توجه زنان به سمت بالاترین سطح جامع - یعنی، نهاد حکومت - برخوردارند اما ممکن است قربانی کشمکش‌های سیاسی گردند. سازمان‌های غیردولتی خدمت‌گرا می‌توانند در جهت رفع نیازهای اساسی زنان از قبیل بهداشت، پرستاری کودکان، آموزش و کارآموزی نقش ارزنده‌ای ایفا کنند، اما آنها نتوانسته‌اند از طریق اتخان خط‌مشی‌های مناسب در جهت ترغیب زنان فقیر به تغییر وضعیت موجودشان کار مهمی صورت دهند. سازمان‌های غیردولتی تحقیقاتی اغلب از الگوی تحقیقات مشارکتی، که ذاتاً یک اقدام درجهت توانمندسازی زنان است، استفاده می‌کنند اما آنها نیز ممکن است هنگامی که نتوانند در برابر اقدامات سازمانی به اندازه‌ی موضوعات تحقیقاتی‌شان پاسخگو باشند با مشکلاتی مواجه گردند. و بالاخره، ائتلاف‌ها می‌توانند به صورتی کاملاً مؤثر در برابر

مسائل خاص عمل کنند اگر چه اغلب از چندگانگی و فقدان یک ساختار سازمانی مشخص رنج می‌برند (Vakil, 1997).

نتیجه‌گیری

عدم وجود الگویی جامع برای طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی (NGOs) از جمله مشکلاتی است که ادبیات این بخش از آن رنج می‌برد. این مشکل که خود ریشه در فقدان تعریفی جامع و مانع از سازمان‌های غیردولتی و تعدد اصطلاحات بکار رفته برای نامگذاری این سازمان‌ها دارد باعث شده ادبیات سازمان‌های غیردولتی بیشتر جنبه‌ی توصیفی داشته باشد تا تجویزی. در تلاش برای رفع این مشکل، بینگتن و فارینگتن در قالب الگویی چند سطحی و بر پایه معیارهایی چون دامنه عملیات، جایگاه قانونی، مالکیت، زمینه‌ی فعالیت و رویکرد، به طبقه‌بندی این سازمان‌ها مبادرت نمودند بعداً، آناسی و کیل از زاویه‌ای دیگر در قالب توصیف‌کننده‌های عام (شامل: دامنه عملیات، جایگاه قانونی، مالکیت و زمینه فعالیت) و توصیف‌کننده‌های خاص (قابلیت پاسخگویی و مشارکت) به تشریح انواع سازمان‌های غیردولتی پرداخت که در متن تصویری از آنها ارائه گردید.

منابع لاتین :

- 1-Cousins William.(1991)."Non-Governmental Initiatives in ADB,The Urban Poor and Basic Infrastructure Service in Asia and the Pacific " , Asian Development Bank , Manila.
- 2-Sapkota B.N.(1997)." Building Partnerships for Reforms in the Nepalese Bureaucracy " , **Asian Review of Public Administration** , Vol -4, n.2 ,July-December.
- 3-Vakil Anna C.(1997)." Confronting the Classification Problem : Toward a Taxonomy of NGO " , **World Development** , Vol . 25, n . 12.
- 4-Wellard kate & Copestake James G.(1993)." Non -Governmental Organizations and the State in Africa : Rethinking Roles in Sustainable Agricultural Development " , (Rout Ledge , USA , 1993).
- 5-World Bank .(1995). " Working with NGOs : A Practical Guid to Operational Collaboration between the world Band and Non - Governmental Organizations " ,**Operations Policy Department** , world Bank.